



به نام خدا

درس ۸ (دریاقلی)

معلم: لیلا محمودزاده

مدرسه: علوی (نبرد)



دریا فلی

درس هشتم

در تاریخ، انسان‌های بسیاری بوده‌اند که همی توان و جان خود را برای رسیدن به هدف خویش فدا کرده‌اند و گاهی نجات مردمی یا آینده‌ی ملتی به هوشیاری و فداکاری و تصمیم بهنگام و جان فشانی به موقع یک نفر یا جمعی محدود، وابسته می‌شود. در همی جوامع بشری، فداکاری چنین انسان‌هایی را ارج می‌نهند و تلاش می‌کنند خاطره‌ی آنها را در تاریخ و ادبیات و آثار هنری خود حفظ کنند.

در داستان‌های کهن ایرانی، آرش، دلاورمردی بود که وقتی قرار شد کمانداری ایرانی، تیری رها کند و هر جا که تیر فرود آمد، مرز ایران باشد، دلیرانه بر قلّه‌ی دماوند برآمد و تیری در چله‌ی کمان نهاد و با پرتاب کردن آن، سرزمین ایران را از یگانگان رهایی بخشید و جان خود را در این راه فدا کرد. خاطره‌ی این جان‌فشانی در راه پاسداری از میهن، هنوز در یادها زنده است. این سرزمین در هر روزگاری، پهلوانان و نام‌آوران بی‌شماری را در خود پرورانده است.

شهید «دریاقلی سورانی» یکی از دلاورمردان دوران دفاع مقدس بود که در نخستین ماه‌های جنگ تحمیلی با فداکاری شگفت‌انگیز خود، مانع سقوط شهر آبادان شد. شغل



دریاقلی، اوراق فروشی بود. او در آن هنگام به همراه فرزند خردسال خود در گورستانی از اتومبیل‌های فرسوده در «کوی ذوالفقاری» در حاشیه‌ی آبادان زندگی می‌کرد. او در یک شب تاریک، ناگهان متوجه شد که سربازان دشمن بعثی به صورتی غافلگیرکننده از رودخانه‌ی بهمن شیر گذشته‌اند و می‌خواهند شهر محاصره شده‌ی آبادان را به اشغال کامل خود در بیاورند. دریاقلی، فوراً بی‌سر و صدا سوار بر دوچرخه شد و به راه افتاد.

دریاقلی در آن شب پاییزی نهم آبان ماه ۱۳۵۹ با همی توان و قدرت، رکاب می‌زد. انگار کسی درگوشش می‌گفت: دریاقلی رکاب بزن، همه چیز به جوانمردی تو وابسته است. اگر کوتاهی کنی، همی شهر و دیار نابود خواهد شد.

دریاقلی! رکاب بزن، یا علی بگو
فردا اگر درنگ کنی، کوچه‌های شهر
از راه اگر بمانی و روشن شود هوا
دریاقلی! به وسعت دریاست نام تو
چشم انتظار همت تو، دین و میهن است
میدان جنگ تن به تن و تانک باتن است
تکلیف شهر خاطره‌های تو، روشن است
تاریخ در تلفظ نام تو آلکن است

اما دریاقلی، همچون دریایی خروشان بود، با تمام وجود تلاش می‌کرد از میان‌گشتی‌های دشمن خیمه‌ها بگذرد و زودتر از سربازان بعثی، خود را به شهر برساند.

او توانست، کوی ذوالفقاری تا شهر آبادان را در کوتاه‌ترین زمان، رکاب بزند و خود را به سرعت به شهر برساند و با فریادهایش، مردم و مدافعان شهر را از نفوذ دشمن باخبر کند. مردم و مدافعان آبادان، بی‌درنگ به هر وسیله‌ای که ممکن بود در برابر دشمن به کار آید به مقابله با دشمن پرداختند و توانستند در نبردی نابرابر، که در تاریخ دفاع مقدس به نام «عملیات کوی ذوالفقاری» معروف است، نفوذ دشمن را به آبادان ناکام بگذارند و او را با تلفات بسیار و شکستی سخت به عقب برانند.

دریاقلی در همین نبرد به شدت زخمی شد و در راه انتقال به پشت جبهه به شهادت رسید. مزار این شهید دلاور در بهشت زهرا (س) در تهران قرار دارد.

بی‌شک اگر دریاقلی در آن شب سرنوشت‌ساز، دچار ترس و تردید می‌شد و اگر تنها به نجات خود و خانواده‌اش می‌اندیشید یا اگر اندکی کوتاهی می‌کرد و نمی‌توانست به موقع خود را به شهر برساند، خدا می‌دانست چه اتفاقات ناگواری می‌افتاد!

معنی شعر

دریاقلی! رکاب بزن یا علی بگو

چشم انتظار همت تو دین و میهن است

دریاقلی! رکاب بزن و یا علی بگو، زیرا دین و میهن چشم انتظار همت و اراده ی تو هستند.

آرایه ادبی: جانبخشی (چشم انتظاری دین و میهن) کنایه (چشم در انتظار بودن کنایه از امید داشتن و منتظر بودن) مفهوم لقمه ای: امید به غیرت دریاقلی

فردا اگر درنگ کنی کوچایهای شهر

میدان جنگ تن به تن و تانک با تن است

اگر صبر کنی و فرصت را از دست بدهی، فردا کوچه های شهر به میدان جنگ با سربازان و تانک های

دشمن تبدیل خواهد شد. آرایه ادبی: تکرار (تن) تناسب (تانک، جنگ) مفهوم لقمه ای: عاقبت کوتاهی کردن

معنی شعر

از راه اگر بمانی و روشن شود هوا
تکلیف شهر خاطره های تو روشن است

اگر در راه بمانی، به مقصد نرسی و هوا روشن شود، تکلیف شهری که خاطرهای زیادی از آن داری روشن می شود و دشمنان به شهر می آیند.

آرایه ادبی: کنایه (تکلیف چیزی روشن شدن کنایه از مشخص بودن پایان و نتیجه کار) مفهوم لقمه ای: نقش دریا قلی در نجات شهر

لیلا محمودزاده

دریاقلی! به وسعت دریاست نام تو
تاریخ در تلفظ نام تو الکن است

دریاقلی نام تو به بزرگی دریا است و تاریخ از به زبان آوردن نامت زبانش می گیرد و ناتوان است. آرایه ادبی: تشبیه (نام دریا قلی به دریا شبیه شده) جان بخشی: الکن بودن تاریخ - تکرار (نام تو) - الکن بودن کنایه از ناتوان بودن است